

دریچه

هم‌زمان با برگزاری جشنواره فیلم فجر اهدای نشان ویژه هوش مالی به فیلم‌های سینمایی

● آکادمی هوش مالی با همکاری روزنامه هنرمند از فیلم‌های سینمایی برتر جشنواره فجر که به موضوع سواد مالی پرداخته‌اند، با اهدای نشان ویژه هوش مالی تقدیر خواهد کرد. به گزارش روابط‌عمومی آکادمی هوش مالی، دکتر کمیل رودی، مدیر این آکادمی گفت: با توجه به اهمیت سواد مالی و با هدف ترویج هرچه بیشتر آن در جامعه و توجه به پیوند معنادار رسانه عظیم سینما با سبک زندگی مردم، ۱۰ نفر از استادان و فعالان حوزه سواد مالی، فرهنگ و ارتباطات به‌عنوان اعضای هیئت داوران انتخاب شده‌اند تا فیلم‌ها و سکانس‌های برتر را از میان فیلم‌های جشنواره امسال انتخاب کنند. وی افزود: تمام فیلم‌های سی‌وهشتمین جشنواره بین‌المللی فجر در مدت برگزاری جشنواره، مورد بررسی قرار می‌گیرند تا موارد منتخب از منظر سواد مالی انتخاب شوند که درصدد هستیم پس از اتمام جشنواره این کار ادامه داشته باشد و جلسات نقد و بررسی فیلم‌های برتر را به صورت ماهانه برگزار کنیم و در پایان نشست‌ها، به فیلم برتر سواد مالی از منظر عموم شرکت‌کنندگان در نشست‌ها، نشان هوش مالی را اختصاص دهیم. رودی، اعضای هیئت داوران فیلم برتر از منظر سواد مالی را به این شرح معرفی کرد: ۱. دکتر علی رسولی‌زاده؛ دکترای اقتصاد، مدیرعامل شرکت دانش‌بنیان پارت و عضو هیئت‌مدیره بانک قرض‌الحسنه رسالت، ۲. دکتر کمیل رودی؛ دکترای مدیریت از دانشگاه تهران، مدرس دانشگاه و مدیر آکادمی هوش مالی، ۳. دکتر پیمان متقی؛ دکترای مدیریت، پژوهشگر سواد مالی و عضو هیئت علمی دانشگاه قم، ۴. دکتر کوثر اخوان؛ دکترای مهندسی صنایع از دانشگاه تهران، تحلیلگر بازار سرمایه و مدرس سواد مالی، ۵. مادی نجفی؛ کارشناس ارشد کسب‌وکار الکترونیک و مدرس سواد مالی، ۶. دکتر عبدالکریم خیامی؛ دکترای فرهنگ و ارتباطات، عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق (ع) و رئیس سابق مرکز طرح، برنامه و ارزیابی معاونت سیما، ۷. دکتر مریم جلالی؛ دکترای مدیریت و برنامه‌ریزی امور فرهنگی، برنامه‌ساز رادیو و تلویزیون و کارشناس رسانه، ۸. دکتر محمدصادق افراسیابی؛ دکترای سیاست‌گذاری فرهنگی، معاون فرهنگ‌سازی و توسعه کسب‌وکارهای مرکز فناوری اطلاعات و رسانه‌های دیجیتال وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی و دبیر سابق کمیته اقتصاد اجتماعی کارگروه فرهنگی، اجتماعی سازمان بسیج، ۹. سارا عرفانی؛ نویسنده، برگزیده جشنواره‌های متعدد ادبی و مدرس کارگاه‌های نویسندگی، ۱۰. فرهاد جم؛ دانش‌آموخته تئاتر، بازیگر و نویسنده.

انتشار نخستین عکس رسمی از فیلم «روز صفر»



● فیلم سینمایی «روز صفر» نخستین اثر سعید ملک‌ان آماده نمایش در سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر شد. هم‌زمان با پایان مراحل فنی کار، برای نخستین‌بار از ترکیب کامل بازیگران «روز صفر» و اولین عکس رسمی آن با تصویری از نقش آفرینی امیر جدیدی رونمایی شد. «روز صفر» روایتی متفاوت از یک اتفاق ملتهب معاصر است که در دو ماه کار سخت در ایران و چندین کشور خارجی جلوی دوربین رفته است. نگارش فیلم‌نامه «روز صفر» را سعید ملک‌ان و بهرام توکلی برعهده داشته‌اند.

چرا نباید کیمیایی را از دست داد

بهناز شیربائی: تازه‌ترین اثر سینمایی مسعود کیمیایی؛ «خون شد»، نخستین بار درجشنواره سی‌وهشتم دیده خواهد شد؛ فیلمی که پیش از آغاز جشنواره حواشی بسیاری درباره چگونگی حضورش در جشنواره در غیبت کارگردانی که انصرافش از حضور در این رویداد هنری را رسانه‌ای کرد و بعد از آن در اکران خصوصی فیلمش، پرانرژی‌تر از همیشه از حاصل زحمت چندین‌ماه‌اش سخن گفت. به زعم برخی از سینمای‌نویسان، کیمیایی در «خون شد» رجعتی به گذشته کرده و می‌توان ردپای بسیاری از فیلم‌های خاطره‌انگیزش را در آن دید و برخی دیگر مفهوم موردنظر فیلم‌ساز را ستایش کردند. کیمیایی نبض سیاست در جامعه را می‌شناسد و همواره فیلم‌هایش به شیوه‌ای شهودی از آینده نزدیک رونمایی می‌کند. کیمیایی را نباید از دست داد. او نبض زمانه و آینده ماست. «خون شد» در رقابت جشنواره فیلم فجر پیش‌روی مخاطبان و دوستداران کیمیایی خواهد بود و باید منتظر واکنش مخاطبان بود. در ادامه، دو رویکرد و نگاه دو سسینمایی‌نویس سابقه‌سینما را درباره این فیلم سینمایی می‌خوانید.

مانیفست کیمیایی



احمد طالبی‌نژاد: در آغازین روزهای بهمن و در یک روز برفی به دعوت مسعود کیمیایی در نمایشی نیمه‌خصوصی به تماشای واپسین اثر این سینماگر تاریخ‌ساز نشستیم. در فیلم «خون شد» سکانسی کلیدی وجود دارد که به نظرم این کلید می‌تواند قفل‌هایی را که درباره کارهای اخیر آقای کیمیایی در اذهان عمومی وجود دارد، تا حدودی باز کند و آن سکانسی است که «فضلی»، قهرمان داستان با بازی سعید آقاخانی (که ای‌کاش برای اینکه هم‌سنگ قهرمان کیمیایی شود، صداسازی نمی‌کرد و با صدای خودش این نقش را اجرا می‌کرد)، پس از به‌قتل‌رساندن عامل بدبختی خواهرش در یکی از شهرهای شمالی، با دست و صورت خونین کنار رودخانه می‌رود و چاقو را در آب می‌شوید. وقتی بلند می‌شود، انگار تصمیم گرفته چاقو را به میان رودخانه پرتاب کند تا پایانی باشد برای نزدیک به نیم‌قرن حضور این عنصر منفور در کارنامه کیمیایی؛ اما تردید می‌کند و چاقو را می‌بندد و در جیب می‌گذارد و بعد دست‌دست و صورتش را می‌شوید. معنای روشنی‌ک‌ه در این سکانس نهفته شده، کلیدی است برای درک و ارتباط بهتر مخاطب امروزی با سینمای دو، سه دهه اخیر کیمیایی و آن این است که شخصیت‌های او نمی‌توانند از انتقام‌جویی جدا شوند. این چاقو از «قیصر» به بعد در جیب همه شخصیت‌ها و قهرمان‌های کیمیایی خلق کرده است، وجود دارد. درخشان‌ترین آن، قیصر و کوزن‌ها و حتی در رمان ارکسترهای بزرگ که یکی از بهترین کارهای ادبی کیمیایی است، این چاقو در جیب قهرمانانش جا خوش کرده است. کیمیایی در توجیه این نکته گفته بود: «زمانی در کودکی و نوجوانی، به چشم دیده همه آدم‌های حساسی منتظرای که او در آن به دنیا آمده و بالیده، یک چاقو در جیبشان بوده». بنابراین چاقو می‌تواند نشانه‌ای از یک حال‌وهوا باشد؛ حال‌وهوایی که کم‌وبیش سپری شده است. روزگار دگرگون شده و امروز به‌جای اسلحه سرد، چیزهای دیگر در جیب جوان‌ها و حتی مردمان عادی وجود دارد. ای‌کاش لحظه‌ای که کیمیایی تصمیمش را می‌گرفت، اجازه می‌داد قهرمانش در «خون شد» چاقو را وسط رودخانه پرتاب کند و طور دیگری به مبارزه ادامه می‌داد؛ اما خب این کیمیایی است و این سینمای کیمیایی است و این تفکرات او است که شاید خیلی به مذاق امروز جامعه خوش نیاید. نوعی انتقام‌گیری با اقدام فردی علیه نهنگاری است و مهم این است که این پایمردی کیمیایی و اصرار او در تداوم‌بخشیدن به این فکر، از لحاظ جامعه‌شناسی قابل بررسی است که چرا یک انسان در جهان مدرن امروز، فکر می‌کند در مواقعی باید دست به جیب ببرد، چاقو دربی‌آورد و به جنگ عوامل بدبختی جوان‌ها و چاه ویل فساد و تباهی برود.

زمانی که کیمیایی قیصر را ساخت، برخی گفتند چرا قیصر به نهادهای مدنی شکایت نمی‌برد تا حق خود بستاند؟ آن زمان یکی از منتقدان و نویسندگان

طرفدار فیلم‌ساز گفته بود وقتی نهادهای مدنی وظایف خودشان را درست انجام نمی‌دهند، یک آدم باغیرت باید چه کار کند؟ ظاهراً شخصیت «فضلی» در «خون شد» نیز درست مثل قیصر به این نتیجه رسیده است جایی نیست که بتواند از حق و حقوقش دفاع کند. او مثل قیصر از جایی دور می‌آید و در بدو ورود به خانه پدری، با بحران روبرو می‌شود. بحران چیست؟ خانه پدری از سوسی دلال در حال فروش است، خواهرها و برادر پراکنده شده و روزگار خوبی ندارند. او فکر می‌کند باید کاری انجام بدهد. با تفکری که فضلی دارد، فکر می‌کند بهترین کار، عمل فردی است. من‌بایه تازه‌ترین اثر کیمیایی به نظر من جای بحث دارد. نه اینکه نفی مطلق یا ستایش مطلق نکنیم. اگر سکانس چاقو را به‌عنوان کلیدی‌ترین لحظه این فیلم در نظر بگیریم، خیلی چیزها در ذهن ما حل می‌شود. به‌هرحال فرهنگی که کیمیایی از آن حرف می‌زند، فرهنگ انتقام و عمل فردی علیه نابسامانی‌هاست. این در تفکر فردی و سنتی فیلم‌ساز تاریخی ما رسوب کرده است. نکته این است که ما منتقدان و نویسندگان تا سال‌های سال در نوشته‌های ما فتنه‌بایمان به اشکال‌تراشی‌های بی‌منطق و به حال‌وهوای فیلم‌های گذشته خود برنمی‌گردد؟ «خون شد» کلاری است از تمام فیلم‌های گذشته قیصر، کوزن‌ها، رضاموتوری، خاک و تمام فیلم‌های اجتماعی‌ او که عصیان فردی در آن مطرح است. اگر نمی‌توانیم امروز با این تفکر ارتباط برقرار کنیم، بخشی از آن نباید به دلیل تجربه‌های عملی در چند دهه اخیر باشد. بخشی از آن هم برمی‌گردد به اینکه ما دوست نداریم با زوایای سنتی به مسائل اجتماعی نگاه کنیم. برای درک بهتر فیلم «خون شد» به نظرم اولاً باید این فیلم را دو بار دید. باید با دنیای سازنده و عناصری که در آن هست، ارتباط برقرار کرد. «خون شد» فیلم تأویلی است؛ حتی تفسیری هم نیست. باید چیزهایی در ذهن مخاطب رسوب کند تا از فیلم لذت ببرد. چیزی که به نظر من در فیلم مطرح است و قطعاً آگاهانه نیز هست، این است که فیلم جغرافیا ندارد؛ یعنی نمی‌دانیم این خانه سنتی در کجای تهران قرار دارد؟ اصلاً تهران است یا نه؟ به شکل آگاهانه‌ای فیلم‌ساز خواسته کمی تفکرش را ایران‌شمول‌تر کند.

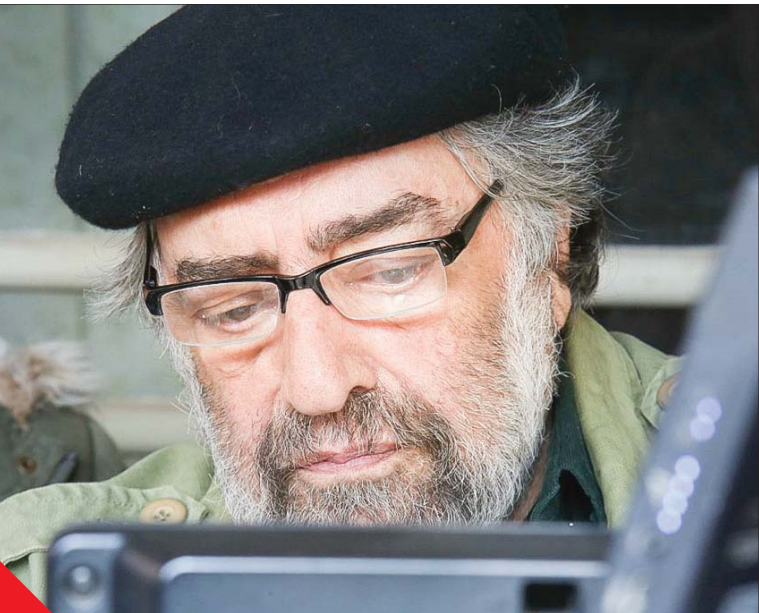
مسئله خانه پدری در معرض فروش و ویرانی و تبدیل‌شدن به مجتمع تجاری نیز به‌عنوان نمادی از هویت یک جامعه قابل تأویل است. هویتی که به مرور زیرِ برج و باروهای تهران رنگ می‌بازد و از بین می‌رود و وقتی که خانه از دست برود و تبدیل به یک مجتمع تجاری شود، تفکرات آدم‌ها هم عوض می‌شود. ما از کیمیایی انتظار نداریم با نگرشی فلسفی یا کمدی فیلم بسازد؛ گرچه طنز هم بلد است و در فیلم رضاموتوری یکی از بهترین نمونه‌های طنز را می‌بینیم، ولی واقعیت این است کیمیایی این است و این سلیقه سینمایی او است؛ همچنان دل‌بسته سینمای کلاسیک آمریکا و دل‌بسته سنت‌هاست؛ با وجود اینکه در دنیای مدرن زندگی می‌کند. جدال با او راه به جایی نخواهد برد.

هنر

خونه‌یعنی همه‌چی



جواد طوسی: مسعود کیمیایی این بار در «خون‌شده» با ذهنی نشست‌کرده و نگاهی دغدغه‌مند، علناً به سیم آخر زده است. همه آن آلمان‌ها و نشانه‌های مضمونی ومفهومی و کاربرد «چاقو» که همواره زمینه‌ساز موضعی مخالف و پرخاشگرانه از سوی برخی از منتقدان ناآشنا و کج‌فهم بوده، اینجا حضوری به مراتب پررنگ‌تر و نمایشی‌تر در قالب و اجرایی موثیف‌گونه پیدا کرده است. حین مشاهده «خون شد» به این واقعیت پی بردم که بیننده فیلمی با این حال و هوا و مشخصه‌ها در وهله اول باید با دنیا و جهان‌بینی کیمیایی و شیوه روایی‌اش ارتباط برقرار کند تا موقعیت و خصایص آدم‌ها و رفتار انسانی یا خشونت‌آمیزشان برایش متقاعدکننده باشد. تصور می‌کنم باید این حق را به فیلم‌سازی ۷۸‌ساله با ۵۲ سال حضور بی‌وقفه در سینما و دو دوره ملتهب و پرفرازنوشب تاریخی بدهیم که با سلیقه و زبان نمایشی مستقل خودش به سراغ موضوع انتخابی برود و نسبت به جامعه معاصر واکنش نشان دهد. پس اگر شماری از بینندگان فیلمش با دنیای ساخته و پرداخته ذهن او ارتباط برقرار نمی‌کنند، مقصر کیمیایی نیست. در چنین وضعیتی منتقد منصف و واقع‌بین، نهایتاً می‌تواند بگوید از فیلم خوشم نیامد، زیرا نتوانستم با این دنیا و آدم‌هایش رابطه برقرار کنم. اما تعمیم این خوش‌نایامدن به اشکال‌تراشی‌های بی‌منطق و تجویز نسخه‌های انتزاعی در قالب «نقد فیلم» یا اظهارنظرهای شفاهی بی‌ربط، نشان از دوربودن از این حوزه دارد یا رنگ و بوی مغرضانه پیدا می‌کند. برای رفع هرگونه سوءتفاهم، مثالی می‌زنم. یک استاد جامعه‌شناسی که بیشتر با مباحث توریک کار دارد، ممکن است ابتدا به ساکن با تگاهی خالی‌الذهن و بدون شناخت کافی از سینمای کیمیایی و مؤلفه‌هایش نشانه‌شناسی «چاقو» به عنوان یک عنصر تکرارشونده در کلیت فیلم «خون‌شده» و نمایش خشونت در چند سکانس فیلم را مورد تحلیل رونمایی قرار دهد و آن را ترویج لمپنیسم و آتاریسیم کور بداند. اما فرد دیگری در همین حوزه با اشراق از سبک کاری کیمیایی و نگرش اجتماعی‌اش با اتکا بر عنصر «قهرمان» و تأکید بر «مواجهه فرد در برابر سیستم» در دوره‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، هویتی متفاوت به این سلاح مهاجم اینجایی بدهد و آن را نشانه‌ای از کش‌مندی در اجرایی‌عدالت‌خواهانه بداند و منطق‌پذیری خشونت را راه رخ می‌کشد. رضاموتوری پنجه خونینش را به پرده سفید تراس سینما دیناا کشید. قدرت نگاه حسرت‌بار و آمیخته با بغضش را به حیاط شلوغ «مدرسه‌نیر» انداخت و دست خونی‌اش را به دیوار آجری مدرسه کشید. حالا مرتضی (سیامک صفری) برادر فضلی در سکانس پایانی، جلوی در خانه، دست خونی خود را به دیوار خونی‌اش کشد. این کش‌کشدن‌ها در دوره‌های مختلف، همچون مناسکی است برای ثبت و ضبط نشانه‌ها و مکان‌ها در ذهن کیمیایی. پرده سینما همان حرمتی را دارد که یک مدرسه قدیمی زیر بازار به همه خاطرات پرسنوش‌ش برای یک چریک زخمی دارد. اکنون در دوره‌ای رنگ‌باخته، این حرمت را در دیوار به خون آغشته‌شده خانه‌ای قدیمی می‌بینیم که می‌تواند نشانه‌ای از این سرزمین، با همه ریشه‌ها و پایه‌های اخلاقی و موج گرم انسانی‌اش باشد. من با این نماها و صحنه‌ها بغض کردم و اشک گونه‌هایم گواهی است بر تعهد پایمردانه فیلم‌سازی که هنوز دلش برای سرزمین خود و رکن اصلی آن یعنی «خانواده»_همچون جان فورد کبیر_ می‌پسند. زمانی در تبلیغ فیلم «خاک» آمده بود: خاک را دارد، خاک شرف دارد، دیدن خاک جرئت می‌خواهد. حالا همین عناوین پیوندخورده به هم، برانزده «خون شد» است.



عکس بانک برکازومه

شیرازه کانون خانواده‌اش جاقویش را بیرون می‌آورد و برای مقابله با نیروهای پلید و شر‌عزمش را جزم می‌کند و جالب آنکه برای سزیز نهایی در به‌چنگ آوردن سندی که باید برایش خون داد، لباس رسمی می‌پوشد و به پیراهنش دکمه سر‌دست می‌زند؛ درست مثل خالقش مسعود کیمیایی که در روزگار پسر حال و حوصله‌اش عاشق این‌گونه لباس‌پوشیدن شیک و خوش‌قواره بود. مجلس آدم او در این‌روزگار نامراد، «مجلس خون» است. «خون شد» در عین حال بسیار در خدمت جنس سینمای تألیفی مسعود کیمیایی است؛ باز نقطه انتخابی دلخواه و آگاهانه برای قهرمان کیمیایی در گستره آرمان‌خواهی و عدالت‌جویی (روشن‌شدن دوباره چراغ خانه) و در سایه قرارگرفتن عشقی که اینجا فقط نامش (ثریا) هرازگاه زمزمه می‌شود و ما معشوق را اصلاً نمی‌بینیم. باز ضربه‌ای نهایی و مُهلک به قهرمان منتخب کیمیایی در کانون حادثه و معرکه‌ای که به او تحمیل شده که در اینجا ضارب را هم نمی‌بینیم. باز قهرمانی تنها که کارش را انجام می‌دهد (بازگرداندن افراد پراکنده‌شده خانواده به درون خانه) و خودش در سایه‌ی شب در آن کوچه خلوت گم می‌شود؛ درست مثل قهرمانان فیلم‌های وسترن. فضلی که بود؟ آدمی با اصول و عقاید خاص خودش که شبی سایه او بر دیوار آن کوچه قدیمی افتاد و در انتها باز به همین سایه‌اش پناه آورد و بدن زخم‌خورده‌اش را کشان‌کشان حمل کرد و به زمین افتاد و بلند شد و تنهای تنها، ایستاده رفت؛ ولی یاد و خاطره‌اش در صافی ذهن ما باقی ماند. فضلی واسطه محرم این دوران فیلم‌سازی است که با آتارش گویی تبارشناسی تاریخی می‌کند و در عین حال پیشنهاد می‌دهد. حالا در «خون شد» همین قهرمان گمنام، خیلی سفت و سِور در جمع خانواده می‌گوید اول از همه «خانواده» و از پدر و زن خانواده‌مورد شماتت قرار می‌گیرد که انسان و آدم‌ها در این میان چه می‌شوند و او باز پای حرفش می‌ایستد و می‌گوید «اول خونه و خونواده، خونه یعنی همه چی». این آدرس در مفهوم متعالی و آرمانی‌اش می‌تواند بهترین پیشنهاد برای جامعه‌ای مشتت و جداافتاده و به قدر کافی آسیب‌پذیر شده باشد. فضلی با همه نشانه‌ها و نشانه‌نام مجهوش، اسباب خیر و عامل محرکی برای اجرای مناسکی دوباره که ریشه در خاک این سرزمین دارد، می‌شود. چه مناسکی پاک‌تر و عزیزتر از بوسه‌زدن یک دختر زخم‌خورده و ازبدرسته به در خانه پدری‌اش، چه فریاد اعتراضی دلنشین‌تر از فریاد آن زن صبورِ که ددخواهی‌اش را متوجه مرد خانواده می‌کند. آدم‌های کیمیایی با خوشنای هویت گمنام و اصلخ خود را به رخ می‌کشند. رضاموتوری پنجه خونینش را به پرده سفید تراس سینما دیناا کشید. قدرت نگاه حسرت‌بار و آمیخته با بغضش را به حیاط شلوغ «مدرسه‌نیر» انداخت و دست خونی‌اش را به دیوار آجری مدرسه کشید. حالا مرتضی (سیامک صفری) برادر فضلی در سکانس پایانی، جلوی در خانه، دست خونی خود را به دیوار خونی‌اش کشد. این کش‌کشدن‌ها در دوره‌های مختلف، همچون مناسکی است برای ثبت و ضبط نشانه‌ها و مکان‌ها در ذهن کیمیایی. پرده سینما همان حرمتی را دارد که یک مدرسه قدیمی زیر بازار به همه خاطرات پرسنوش‌ش برای یک چریک زخمی دارد. اکنون در دوره‌ای رنگ‌باخته، این حرمت را در دیوار به خون آغشته‌شده خانه‌ای قدیمی می‌بینیم که می‌تواند نشانه‌ای از این سرزمین، با همه ریشه‌ها و پایه‌های اخلاقی و موج گرم انسانی‌اش باشد. من با این نماها و صحنه‌ها بغض کردم و اشک گونه‌هایم گواهی است بر تعهد پایمردانه فیلم‌سازی که هنوز دلش برای سرزمین خود و رکن اصلی آن یعنی «خانواده»_همچون جان فورد کبیر_ می‌پسند. زمانی در تبلیغ فیلم «خاک» آمده بود: خاک را دارد، خاک شرف دارد، دیدن خاک جرئت می‌خواهد. حالا همین عناوین پیوندخورده به هم، برانزده «خون شد» است.

«خون شده» را بازگشتی دوباره به دوران اوج فیلم‌سازی مسعود کیمیایی می‌دانم. بدون شک ایجاد فضایی متمرکز و بدون استرس در بخش صحنه فیلم از سوی تهیه‌کننده و سرمایه‌گذار را در این موفقیت می‌توان مؤثر دانست. صحبت از بازی‌های درخشان فیلم، پیوند ادبیات با سینما در دل رئالیسم، دیالوگ‌نویسی ناب کیمیایی و معادل‌سازی تصویری برای آنها، زیبایی‌شناسی قاب و تشخیص میزآنسن، فیلم‌برداری چشمگیر وضای زین‌ب‌دست و دیگر وجوه ارزشمند آن مانند صدا و موسیقی متن، بماند برای زمان نمایش عمومی‌اش. سر تعظیم فرودآوردن در برابر فیلم‌سازی با درک، تعهد و جوهره انسانی و شرف جامعه‌نگری مسعود کیمیایی را یک وظیفه اجتماعی و ملی می‌دانم. خوش دارم جلوتر از همه این ادای دین تاریخی را عهده‌دار شوم. ممت گرم و راحت مستدام کیمیایی.

زیر آسمان فیروزهای

داروغه‌زاده: تحریم‌ها حاصل فضای رسانه‌ای خارج از کشور بود

● فرانک آرتا؛ نشست خبری سی‌وهشتمین جشنواره فیلم فجر با حضور ابراهیم داروغه‌زاده، دبیر همراه با مسعود نجفی، مدیر روابط عمومی این جشنواره صبح پنجشنبه ۱۰ بهمن ماه در پردیس سینمایی ملت برگزار شد. داروغه‌زاده ضمن اشاره به حوادث اخیر گفت: «امسال دی‌ماه سختی را پشت سر گذراندیم که از آن جمله شهادت سردار قاسم سلیمانی بود. او همراه سربازانش در خارج از مرزهای وطن از کشور دفاع می‌کرد. اتفاق بعدی سقوط هواپیما بود و در چنین شرایطی برخی از سینماگران اعلام کردند که نمی‌خواهند در جشنواره حضور داشته باشند. به دنبال این اتفاق با هنرمندان صحبت شد و در نهایت همه سینماگران در جشنواره حضور خواهند داشت.» داروغه‌زاده سپس به سؤالات خبرنگاران پاسخ داد. او با پاسخ به این سؤال که سرنوشت فیلم «آشغال‌های دوست‌داشته‌ای اصل» که هرساله کارگردان آن تقاضای شرکت در جشنواره را دارد چیست، گفت: «برای رسیدن به پاسخ دقیق به این سؤال باید موضوع را با کارگردان فیلم آقای محسن امیریوسفی مطرح کنید. اما طبق این‌نامه جشنواره فیلم فجر نمی‌توانستیم این فیلم را در جشنواره نمایش بگذاریم.» داروغه‌زاده درباره شائبه آماده‌نشدن یک فیلم در موعد مقرر و قوت‌گرفتن جایگزینی یک فیلم رزروی توضیح داد: «طبعاً اگر فیلمی به جشنواره نرسد، حتما بر اساس اولویت‌های فیلمی جایگزین آن می‌شود. ضمناً اگر تهیه‌کنندگان فیلم‌های رزروی درخواست مکتوب خود را به دبیرخانه جشنواره ارائه دهند، امکان نمایش آن برای آن‌ها پدیدار می‌گردد.» داروغه‌زاده در پاسخ به پرسش «شرق» که چرا امسال تعداد اعضای هیئت داوران به ۹ نفر افزایش یافت، گفت: «امسال خواستیم دآوری شکل تخصصی‌تری بگیرد. به همین دلیل در بخش فنی دو داور اضافه کردیم که در نهایت تعداد داوران به ۹ نفر رسید.» او همچنین درباره وضعیت حضور مسعود کیمیایی در بخش کاندیدهای بهترین کارگردانی به دلیل تحریم جشنواره خطاب به «شرق» گفت: «آقای کیمیایی یکی از خاطره‌انگیزترین کارگردان‌های سینمای ایران است و همیشه فیلم‌های ایشان در جشنواره مورد استقبال قرار گرفته و بی‌شک امسال نیز همین اتفاق رخ می‌دهد. درباره تحریم‌ها باید گفت که تحریم‌ها حاصل فضا‌سازی رسانه‌ای خارج از کشور بود. شاید برخی از هنرمندان به دنبال اتفاقات رخ‌داده احساساتی شدند و گفتند ما به جشنی نمی‌رویم که طبیعی است ما هم به جشنی نخواهیم رفت. اما منظورشان عدم حضور در جشنواره نبود و طبعاً این امر را نمی‌توانیم تحریم بدانیم و در عین حال ما نیز هیچ تحریمی ندیدیم.»

داروغه‌زاده در پاسخ به محافظه‌کاربودن این دوره از جشنواره و برگزاری نشست و اعلام اسامی فیلم‌ها در روزهای تعطیل عنوان کرد: «تاخیر نشست به دلیل آماده‌نبودن پوستر و همچنین این سال کنفرانس بوده که تازه دو روز قبل آماده شد. هیچ‌گونه محافظه‌کاری در کار نبوده است و تنها کاری که کردیم این بود که مراسم افتتاحیه را محدود کردیم تا بتوانیم مهدردی و کمکی به سیل‌زدگان سیستان و بلوچستان داشته باشیم. قرار است روز شنبه قبل از آغاز جشنواره کاروانتی که شامل مورد نیاز برای آن‌هاست به سیستان حمل می‌کند، از جلوی سینما به طرف استان سیستان و بلوچستان حرکت کند. امسال همه هزینه افتتاحیه خرج سیل‌زدگان می‌شود.»

داروغه‌زاده درباره بودجه برگزاری جشنواره گفت: «بودجه جشنواره هشت میلیارد تومان است که با شهرداری در این زمینه رانده به بستیم اما سعی می‌کنیم بودجه کمتری را هزینه کنیم.»

مسعود نجفی، مدیر روابط‌عمومی جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر نیز دراین‌باره توضیح داد: «مبنای ما معرفی‌نامه رسانه مدنظر است و آن رسانه تشخیص داده که چه کسی را به‌عنوان خبرنگار معرفی کند و ما هم بر همین اساس تصمیم می‌گیریم.»

داروغه‌زاده درباره دلایل حضورنداشت فیلم‌های «مجبوریم» و «امینون» که به ترتیب به کارگردانی و تهیه‌کنندگی رضا درمیشیان بوده‌اند، گفت: «من نباید تک‌تک درباره هر فیلم توضیح دهم. هیچ ملاحظه‌ای از نظر شورای انتخاب وجود نداشته است و از نظر شورای انتخاب فیلم آقای درمیشیان مناسب حضور در جشنواره نبوده که ممکن است نظرشان درست یا غلط باشد، اما حتماً این فیلم پروانه نمایش می‌گیرد.»

او درباره حضورداشتن محمدمهدی عسگریور که دبیر جشنواره جهانی نیز هست به‌عنوان یکی از داوران جشنواره سی‌وهشتم فیلم فجر بیان کرد: «به نظر من اتفاق مثبتی است. آقای عسگریور همیشه به‌عنوان کارگردان و تهیه‌کننده واجد شرایط دآوری بوده و امسال هم اتفاق مثبتی است که ایشان جزء هیئت داوران هستند.»

دبیر جشنواره فیلم فجر درباره حضور کم‌تعداد فیلم‌سازان زن ادامه داد: «هیئت انتخاب نمی‌تواند قمیمبستی رای دهد. امسال تعداد کمی فیلم‌ساز زن داشتیم و یک فیلم به جشنواره فیلم فجر راه پیدا کرد. درباره حضور زنان در هیئت انتخاب و هیئت داوران نیز باید بگویم خوشحال می‌شویم فیلم‌سازان زن در هیئت داوران و هیئت انتخاب حضور داشته باشند، اما باید واجد شرایط حضور در این دو بخش باشند.»